خطاطی و خوشنویسی در ممالک اسلامی

جری بچکا

اوانس اونسیان

جیری بچکا(چکوسلواکی) ترجمهء اوانس اوانسیان‏ خطاطی و خوشنویسی در ممالک اسلامی‏ تألیف آنماری شیمل‏ نیویورک و لندن،انتشارات دانشگاه نیویورک.1984 م.265+14 ص.

خط،یکی از اجزاء تشکیل‏دهندهء هنرهای اسلامی است.کتب فراوانی در این‏باره‏ نوشته شده است.بیشتر این کتب انحصارا در باب جنبهء هنری،توصیف انواع مختلف خط، آثار استثنائی بوسیلهء هنرمندان برجستهء شرقی و نقش خط در هنر معماری می‏باشد. آنماری شیمل یک قدم بالاتر از اینها برداشته است.او خواننده را با رابطهء باطنی بین‏ خط و طرز تفکر الهیون و عرفای اسلامی و مؤمن معمولی مسلمان در طول 1400 سال‏ گذشته آشنا می‏کند.

در فصل اول به‏عنوان«اسالیب خطاطی»آثاری که تاکنون نشر یافته بررسی‏ می‏شود و نشان می‏دهد که هم در شرق و هم در غرب مآخذ وجود دارد.این مطلب با اطلاعاتی در باب خط کوفی و قرآن و مناجات با این اشاره که این خط با متون عربی‏ ارتباط ندارد دنبال می‏شود.مؤلف همچنین به کتیبه‏های حماسی مکشوف در غزنی و بخارا و Urgund و غیره توجه دارد.سپس او به تکامل خط شکسته Cursive hand کاغذ،مرکب به الوان مختلف،قلم،پیدایش خطاطی و اولین خطاطان مانند ابن مقلهء شیرازی(مقتول در 920 م.)،سپس ابن بواب و یاقوت مستعصمی که گفته میشود تعداد یکهزار و یک نسخه از قرآن را در طول عمرش رونویسی کرده و غیره می‏پردازد.در پایان او از خط نستعلیق یاد می‏کند که در عصر بایسنقر میرزا،بهترین وسیله جهت‏ کتابت متون فارسی قرار می‏گیرد.

فصل بعدی به‏عنوان خطاطان،درویشان،سلطانان،خطاطی علی الخصوص در عالم‏ اسلامی مشرق زمین است.مؤلف شرحی دربارهء تعلیقات شاگردان خطاطی،وسائل آنان، انتخاب کاغذ،قلم،دوات،مرکب و آماده‏سازی آنان می‏دهد.سپس از خطاطان بعدی‏ به‏ویژه میر علی هروی(متوفی 1556 م.)که بهترین آثارش را در بخارا بوجود آورد، سخن آمده است.سنت هندی تکامل نستعلیق،در واقع همان زمان در قندهای مشکل‏ گرفت.نقش عمده در این مورد مخصوص،مسلما در دست آسیای مرکزی در قرن‏ شانزدهم میلادی بود.در این نام عده از فرمانروایان آورده شده مانند تیمور و پسر بزرگش شاهرخ که به خطاطی پرداخت و نقس بایستقر میرزا که او نیز خطاط بود و مرکز هنرهای کتاب همراه با چهل تن خطاط در هرات ایجاد کرد،مورد بحث واقع‏ شده است.این مرکز از جانب علیشیر نوائی هم حمایت میشد.سپس ترکیهء عثمانی پیشرو این نوع امور می‏گردد.

این کتاب دارای افسانه‏ها و داستان‏های جالبی نیز هست.مثلا رشاد خطاط ترک‏ «تمامی قطعات چوبی قلم‏ها را جمع‏آوری کرد و با آنها قرآن را نوشت و سفارش کرد که مقدار آب جهت شستن جنازهء او باید از سوختن این چوب‏ها گرم شود» (ص 58).از اولین اطلاع در باب استعمال عینک نیز بوسیلهء یک نفر خطاط در این‏جا صحبت شده است(ص 60).بیشتر خطاطان ایرانی بویژه آسیای مرکزی به هندوستان‏ و احتمالا به ترکیه حرکت و عزیمت نموده،در آن نواحی شاگردان محلی تربیت کردند. بدینسان در خاندان دربار عثمانی یک سنت استثنائی پرتوان ایجاد شد.

فصل سوم در باب خطاطی و عرفان است.اسلام بیش از هردینی تکیه بر«کتاب» دارد که با اهمیت خط در ارتباط است.خطاطان حرفهء خود را بسیار مقدس می‏دانند و یک نفر مسلمان سنت‏گرا[-ارتدکس‏]نوشتن قرآن یا حدیث را بر روی کاغذ اروپائی‏ مقبول نمی‏داند.

دربارهء ارزش رقمی حروف خط عربی در مضامین عرفانی کلمات در متن‏[مورد نظر]نیز مطلبی به میان آمده است.مثلا ترکان«علاقهء خاصی به گل لاله در هنرهای‏ تزئینی دارند،زیرا کلمهء«لاله»همان ارزش رقمی یعنی 66 را دارد مانند الله و هلال‏ The crescent که مظهر اسلام است.ابن سینا نیز همان عقائد را داشت(ص 96). مفاهیم عرفانی نیز به این راه افتادند مثلا از این نظر که نام محمد و همریشه‏های آن‏ مانند احمد،محمود،حامد منحصرا شامل حروف بی‏نقطه است،بدین ترتیب عرفا با این‏ سند آماده می‏شوند که پیامبر نیز نور بود،منزه بود و با هیچ نقطهء سیاهی ملوث نشده‏ است.سپس فضل الله استرآبادی نظریهء حروفیه را تحت قواعد آورد.بنابه این نظریه، هرچیزی باید باتوجه به حروف و ارزش آن مورد تفسیر قرار گیرد.در این کتاب چند صفحه هم به خطاطی شکل‏دار و کلماتی که با خطاطی به صور انسانی و حیوانی درامده، علی الخصوص بوسیلهء خطاطان ترک،اختصاص داده شده است.

فصل چهارم تحت عنوان«خطاطی و شعر»بسیار جالب است.در این فصل،این‏ متخصص بزرگ شعر،نمونه‏های زیادی دست می‏دهد که چگونه شعرا از خط الهام‏ می‏گرفتند.جلال الدین رومی بلخی یکی از آنهاست.مؤلف در این مورد از لوئی‏ آراگن نقل می‏کند که:

«خط موسیقی و خط نوشتنی از نی reed بوجود آمده‏[یعنی‏]نی flute و قلم»

که در این باب به آثار معاصریت راجع به خطاطی عربی هم ارجاعاتی شده است. دوات برای یک خطاط ایرانی،شامل آب حیات است.مثلا در اینجا می‏خوانیم که چگونه‏ عطار در الهی‏نامهء خود،پیرزنی شجع را توصیف می‏کند که هرچند صاحب قامتی همچون‏ دال است ولی قلبی چون الف دارد.یا اشعارر زیر از شرف الدین رامی:«از قلم خطاطان‏ هیچ حرف نون زیباتر از ابروی تو برنمی‏آید».

در ضمیمهء الف این کتاب،الفبای عرفانی براساس ترتیب حروف در سانسکریت‏ وجود دارد که در طریقهء ذوقی از گروه چشتیهء صابریه کامل شده و در کتاب«سر دلبران»حضرت شاه سید محمد شوقی،صفحات 149-157 منتشر گردید،و ترجمهء یک شعر نیز در وصف یک نفر خطاط بوسیلهء ادارکی بگلری،قرن هفدهم میلادی،شاعری سندی که به فارسی می‏سروده،با ارزش‏یابی‏های شاعرانه:«از آنجائی که قاف‏ آغاز[کلمهء]قرآن است خداوند،مقام«صد»را در اینجا به آن بخشید».

این بخش با علائم اختصاری یادداشت‏های کتاب،کتاب‏شناسی(صفحات 209- 231)7،فهرست اعلام،فهرست اصطلاحات قرآنی و احادیث نبوی،عناوین کتب دنبال‏ می‏شود.کتاب دارای تصاویر سیاه و سفید و رنگی و بیش از پنجاه نمونه از خطاطی است.

این کتاب اولین اثری است در باب خطاطی اسلامی که با چنین وسعتی در مورد مجموعهء فرهنگ اسلامی تهیه شده است.\*این کتاب فقط می‏توانست بدست آنماری‏ شیمل نوشته شود زیرا او قبلا دانش ژرف و رابطهء نزدیک خود را طی ده‏ها کتب علمی‏ و عمومی در این زمینه نشان داده است.

\*توضیح آینده-آنماری شیمل قبلا رسالهء کوچکی هم در موضوع خطوط اسلامی منتشر ساخته است به نام:

Islamic Calligraphy.Leiden,1970

.( Iconography of Religions.section XXII:Islam,Fascicle 7. )

دکتر امیر بانوی کریمی‏ فرهنگ اشعار صائب‏ تألیف احمد گلچین معانی.دو جلد،انتشارات موسسهء مطالعات و تحقیقات فرهنگی‏ (1364-1365)

صائب از شاعران مبتکر و تازه‏کاری است که با ابداع کنایات و استعارات طرفه‏ و بکار گرفتن اصطلاحات عامیانه بشیوهء خاص خود جلوهء دیگری بشعر فارسی داده است. ازاین‏رو اگر سخن او از جهات مختلف مورد بررسی و مداقه قرار گیرد بی‏وجه نیست. یکی از وجوه نگاه به لغات و ترکیبات و تعبیرات دیوان و ترتیب فرهنگ‏نامه‏ای‏ برای اشعار اوست.این مهم به همت ادیب فاضل و شاعر سخن‏سنج آقای احمد گلچین‏ معانی و به نفقهء مؤسسهء مطالعات و تحقیقات فرهنگی در دست انجام است.\*در خال‏ حاضر جلد اول این لغت‏نامه از حرف(آ-ژ)منتشر شده است.ضمن قدردانی از کوشش‏ مؤلف محترم ذکر چند نکته ضروری است.

نخست مؤلف در ضبط ترکیبات بی‏سلیقه بوده است.خواننده اگر مبتدی باشد نمی‏داند ترکیب را اضافی بخواند یا وصفی،در حالی‏که فرهنگ‏های معاصر نظیر دهخدا و معین بروشی ساده هرشبهه‏ای را در این مورد رفع کرده‏اند.مثلا باید از شواهد شعری‏ فهمید که کدامیک از سه ترکیب«برق عنان»«برق ناموس»و«برق نگاه»را با اضافه‏ کلمه اول به دوم و کدام را بدون اضافه باید خواند(ر ک ص 81).تازه شعر هم در بعض‏ موارد نمی‏تواند خواننده را از خطا مانع شود.مثلا حرف دشمن و حرف دشمنی در \*-به هنگام چاپ این مقاله هردو جلد منتشر شده است.(آینده).